

روی این جهات، بعضی از مفسران گفته‌اند که چهل آیه نخستین این سوره در مکه نازل شده است و بقیه آن در مدینه، در حالی که بعضی دیگر همه آیات آن را مکی میدانند، جز سه آیه آن را که می‌گویند در رابطه با غزوه احد نازل

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۴۹

گردیده است:

قدر مسلم این است که این سوره را باید ترکیبی از آیات مکی و مدنی دانست، هر چند دقیقاً نمیتوان - جز در موارد معینی - مکی و مدنی بودن یک یک آیات آنرا مشخص ساخت.

و به هر حال در آیات این سوره هم بحثهای خاص سوره‌های مکی دیده می‌شود (مانند بحث قاطع از توحید و معاد و مبارزه شدید با شرک و بت پرستی) و هم بحثهای مخصوص سوره‌های (مدنی مانند بحث از احکام اجتماعی و مسائل مربوط به جهاد و هجرت).

و بطور کلی میتوان گفت که محتوای این سوره را امور زیر تشکیل میدهد که به شکل جالب و متناسبی با هم آمیخته شده است:

۱ - بیش از همه بحث از نعمتهای خداوند در این سوره به میان آمده و آنچنان ریزه‌کاریهای آن تشریح گردیده که حس شکرگزاری هر انسان آزادهای را بیدار میکند، و از این راه او را به آفریننده اینهمه نعمت و موهبت نزدیک می‌سازد.

این نعمتها شامل نعمتهای مربوط به باران، نور آفتاب، انواع گیاهان و میوه‌ها و مواد غذایی دیگر، و حیواناتی که خدمتگزار انسانها هستند و منافع و برکاتی که از این حیوانات عائد انسان می‌شود و انواع وسائل زندگی و حتی نعمت فرزند و همسر، و خلاصه شامل انواع طبیات میگردد.

و درست به همین علت است که بعضی آنرا سوره «نعم» (جمع نعمت) نامیده‌اند.

ولی مشهور و معروف در نامگذاری این سوره همان سوره نحل است، چرا که ضمن بر شمردن نعمتهای گوناگون الهی اشارهای کوتاه و پرمعنی و عجیب به زنبور عسل کرده، مخصوصاً روی ماده غذایی مهمی که از آن عائد انسانها

می‌شود، و نشانه‌های توحیدی که در زندگی این حشره وجود دارد تکیه‌نموده است.

۲ - بخش دیگری از آن از دلائل توحید و عظمت خلقت خدا، و معاد، و تهدید مشرکان و مجرمان بحث میکند.

۳ - قسمت دیگری از آن از احکام مختلف اسلامی همانند دستور به عدل و احسان و هجرت و جهاد و نهی از فحشاء و منکر و ظلم و ستم و پیمان شکنی و همچنین دعوت به شکرگزاری از نعمتهای او سخن می‌گوید، و در همین رابطه از ابراهیم قهرمان توحید به عنوان یک بنده شکرگزار در چند آیه نام میبرد.

۴ - بخش دیگری از بدعت‌های مشرکان سخن می‌گوید و در همین رابطه، مثل‌های حسی جالبی ذکر میکند.

۵ - و بالاخره در قسمت دیگری انسانها را از وسوسه‌های شیطان برحذر میدارد.

### فضیلت سوره

در بعضی از روایات از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در فضیلت این سوره چنین نقل شده که فرمود: من قراها لم يحاسبه الله تعالى بالنعمة التي انعمها عليه في دار الدنيا: کسی که این سوره را بخواند خداوند او را در برابر نعمتهایی که در این جهان به او بخشیده محاسبه نخواهد کرد.

روشن است تلاوت این آیات که قسمت مهمی از نعمتهای الهی را برشمرده، آنهم تلاوتی توأم با تفکر و سپس تصمیم‌گیری و عمل، و گام‌نهادن در طریق شکرگزاری، سبب می‌شود که هر نعمتی را درست درهدفی که برای آن آفریده شده است مصرف کنند، و با چنین حالی دیگر چه محاسبه‌ای از او خواهند کشید مگر نعمت را بجا مصرف ننموده‌است؟!.

اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالى عما يشركون ۱ ينزل الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انافاتقون ۲  
ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - فرمان خدا (دائر به مجازات مشرکان و مجرمان) فرا رسیده است برای آن عجله نکنید منزله و برتر است خداوند از اینکه شریک برای اوقائل میشوند.  
۲ - فرشتگان را با روح الهی به فرمانش بر هر کس از بندگان بخواند نازل میکند (و به آنها دستور میدهد) که مردم را انذار کنید (و بگوئید) معبودی جز من نیست بنابر این از مخالفت (دستور) من پرهیزید.

تفسیر :

فرمان عذاب نزدیک است

همانگونه که قبلا گفته شد قسمت مهمی از آیات آغاز این سوره در مکه نازل شده است، در همان ایام که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درگیری شدیدی با مشرکان و بت پرستان داشت، و هر روز در برابر دعوت حیات آفرین و آزادی بخش او به بهانه‌هایی متوسل میشدند، از جمله اینکه هر گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را تهدید به عذاب الهی میکرد بعضی از لجوجان میگفتند اگر این عذاب و کیفر که میگوئی راست است پس چرا به سراغ ما نمی‌آید؟

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۲

و شاید گاهی اضافه میکردند که اگر فرضا عذابی در کار باشد ما دست به دامن بتها میشویم تا در پیشگاه خدا شفاعت کنند تا این عذاب را از ما بردارد، مگر نه این است که آنها شفیعان درگاه اویند؟!  
نخستین آیه این سوره، خط بطلان بر این اوهام کشیده و می‌گوید:  
عجله نکنید فرمان خدا برای مجازات مشرکان و مجرمان، قطعاً فرا رسیده است (اتى امر الله فلا تستعجلوه).

و اگر فکر میکنید بتان شفیعان درگاه اویند سخت در اشتباهید خداوند منزله و برتر از آنست که آنها برای او شریک می‌سازند (سبحانه و تعالی عما يشركون).  
بنابر این «امر الله» در آیه فوق اشاره به فرمان خداوند در مورد عذاب مشرکان است، و کلمه «اتى» هر چند فعل ماضی است و به معنی تحقق این فرمان در گذشته است، اما مفهوم آن مضارعی است که قطعاً تحقق می‌یابد، و

این در قرآن فراوان است که مضارع قطعی الوقوع با صیغه ماضی ذکر می‌شود. بعضی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که امر الله اشاره به خود عذاب است نه فرمان عذاب، و بعضی نیز آن را به معنی روز قیامت گرفته‌اند، ولی تفسیری که ذکر کردیم از همه اینها نزدیکتر به نظر میرسد. و از آنجا که هیچ مجازات و کیفری بدون بیان کافی و اتمام حجت عادلانه نیست، در آیه بعد اضافه میکند خداوند فرشتگان را با روح الهی به فرمانش بر هر کس از بندگان که بخواهد نازل میکند (ينزل الملائكة بالروح من امره علی من یشاء من عباده).

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۳

«و به آنها دستور میدهد که مردم را انذار کنید و از شرک و بت پرستی بترسانید، و بگوئید معبودی جز من نیست» (ان انذروا انه لا اله الا انا). «بنابر این تنها از مخالفت من بپرهیزید و در برابر من احساس مسئولیت کنید (فاتقون).

در اینکه منظور از «روح» در این آیه چیست؟ مفسران گفتگوی بسیار کرده‌اند، ولی ظاهر این است که منظور از آن، وحی و قرآن و نبوت است که مایه حیات و زندگی انسانها است.

گرچه بعضی از مفسران، وحی را از قرآن، و هر دو را از نبوت در اینجا جدا کرده‌اند و به صورت سه تفسیر بیان داشته‌اند، ولی ظاهر این است که همه به یک حقیقت باز می‌گردد.

و به هر حال «روح» در اینجا جنبه معنوی دارد، و اشاره به هر چیزی است که مایه حیات دلها است و سبب تربیت نفوس و هدایت عقلها می‌گردد، همانگونه که در آیه ۲۴ سوره انفال می‌خوانیم: یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجابت کنید دعوت خدا و پیامبرش را هنگامی که شمارا به چیزی فرا می‌خواند که مایه حیات و زندگی شما است».

و در سوره غافر آیه ۱۵ می‌خوانیم یلقی الروح من امره علی من یشاء من عباده: «او روح را به فرمانش بر هر کس از بندگان که بخواهد القامی‌کند»

و در سوره شوری آیه ۵۲ چنین آمده: و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان: «این گونه، روحی را به فرمان خود بر تو وحی فرستادیم، تو پیش از آن، از کتاب و ایمان آگاه نبودی»!

روشن است که «روح» در این آیات به معنی «قرآن» و «محتوای وحی»

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۴

و «فرمان نبوت» است. گرچه روح در سایر آیات قرآن به معانی دیگری نیز آمده است ولی باتوجه به قرائنی که ذکر شد مفهوم روح در آیه مورد بحث، قرآن و محتوای وحی می باشد. ذکر این نکته نیز لازم است جمله «علی من یشاء من عباده» (بر هر کس از بسندگان بخواند) هرگز به این معنی نیست که موهبت وحی و نبوت بی حساب و کتاب است، زیرا «مشیت» الهی هرگز از «حکمت» او جدا نمی باشد، و به مقتضای حکیم بودنش این موهبت را در محل شایسته و لایق قرار میدهد: الله اعلم حیث یجعل رسالته: «خداوند میداند رسالت خود را در کجا قرار دهد» (انعام - ۱۲۴). این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اگر نخستین فرمان الهی به پیامبران، به مقتضای جمله «ان اندروا» انذار و بیم دادن است، به خاطر این است که برای بیدار کردن یک قوم گمراه و آلوده به شرک و فساد هیچ چیز مؤثرتر از انذار نیست، انذاری بیدار کننده، آگاه کننده و حرکت آفرین! درست است که انسان هم طالب سود است، و هم دافع زیان، ولی تجربه نشان داده که تشویق در افراد آماده تر اثر میگذارد، درحالی که اثر تهدید در آنها که آلوده ترند بیشتر است، و برای آغاز نبوت باید انذارهای کوبنده در راس برنامه باشد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۵

آیه ۳-۸

آیه و ترجمه

خلق السموت و الارض بالحق تعالی عما یشركون ۳ خلق الانسن من نطفة فاذا هو خصیم مبین ۴ و الانعم خلقها لكم فیها دفء و منفع و منها تاكلون ۵ و لكم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون ۶ و تحمل ائثقالکم الی بلد لم تکنوا بلغیه الا بشق النفس ان ربکم لرؤوف رحیم ۷ و الخیل و البغال و الحمیر

لترکبوها و زینة و یخلق ما لا تعلمون ۸

ترجمه :

۳ - آسمانها و زمین را به حق آفرید، او برتر است از اینکه شریک برای اومی سازند

۴ - انسان را از نطفه بی ارزشی خلق کرد و سرانجام او موجودی فصیح و مدافع آشکار از خویشتن گردید.

۵ - و چهار پایان را آفرید در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آنها میخورید.

۶ - و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که به استراحتگاهشان باز میگردانید و هنگامی که (صبحگاهان) آنها را به صحرا میفرستید.

۷ - آنها بارهای سنگین شما را به شهری که جز با مشقت زیاد به آن نمیرسید حمل میکنند چرا که پروردگارتان رؤف و رحی

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۶

۸ - (و همچنین) اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و هم مایه زینت شما باشد و چیزها (وسائل نقلیه دیگری) می آفریند که شما نمی دانید!

تفسیر :

### منافع گوناگون حیوانات

از آنجا که در آیات گذشته، سخن از نفی شرک به میان آمد در این آیات برای ریشه کن ساختن شرک و توجه به خداوند یکتا از دو راه وارد می شود: نخست از طریق دلائل عقلی بوسیله نظام شگرف آفرینش و عظمت خلقت، و دیگر از طریق عاطفی و بیان نعمتهای گوناگون خداوند نسبت به انسان، تا حس شکر - گزاری او تحریک گردد و سرانجام وی را به خدا نزدیک سازد. در آغاز می گوید: «خداوند آسمانها و زمین را بحق آفرید» (خلق السماوات و الارض بالحق).

حقانیت آسمان و زمین هم از نظام عجیب و آفرینش منظم و حساب شده آن روشن است و هم از هدف و منافی که در آنها وجود دارد.

و به دنبال آن اضافه میکنند: «خدا برتر از آن است که برای او شریک می سازند» (تعالی عما یشرکون).

آیا بتهائی که آنها را شریک او قرار داده اند هرگز قادر به چنین خلقتی هستند؟ و یا حتی می توانند پشه کوچک و یا ذره غباری بیافرینند! با این حال چگونه

آنها را شریک او قرار میدهند؟!  
جالب اینکه خود مشرکان این نظام عجیب و خلقت بدیع را که بیانگر علم و قدرت خالق است تنها از الله می دانستند، ولی با این حال به هنگام عبادت در برابر بتها به خاک می افتادند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۷

بعد از اشاره به مسأله آفرینش آسمان و زمین و اسرار بی پایان آنها، سخن از خود انسان می گوید، انسانی که به خودش از هر کس نزدیکتر است، می فرماید: انسان را از نطفه بی ارزشی آفرید، اما سرانجام به جایی رسید که موجودی متفکر و فصیح و بلیغ و مدافع از خویشتن و سخنگوی آشکار شد (خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصيم مبين).

«نطفه» در اصل به معنی آب کم یا آب صاف است، سپس به قطرات آبی که از طریق لقاح سرچشمه پیدایش انسان می شود، اطلاق شده است، در حقیقت با این تعبیر می خواهد عظمت قدرت خدا را مجسم کند که از قطره آب بی ارزشی چه آفرینش عجیبی کرده است که میان قوس نزول و صعودی او این همه فاصله است.

این در صورتی است که «خصیم» را به معنی «مدافع و بیانگردرون خویش» بدانیم، همانگونه که در آیه ۱۰۵ سوره نساء می خوانیم و لا تکن للکائنات خصیما: «ای پیامبر مدافع خائنان مباش».

ولی در مقابل این تفسیر که مورد قبول گروهی از مفسران است، تفسیر دیگری از سوی جمع دیگری از مفسران اظهار شده است، و آن اینکه خداوند انسان را با قدرت کامله اش از نطفه بی ارزش آفرید ولی این انسان ناسپاس، به مجادله و مخاصمه آشکار در برابر خدا برخاست (آیه ۷۷ سوره یس را گواه بر این تفسیر گرفته اند).

ولی معنی اول صحیحتر به نظر میرسد زیرا آیات فوق در مقام بیان عظمت آفرینش خدا است و عظمت آنگاه آشکار می شود که از موجود ظاهرا ناچیزی موجود بسیار پر ارزشی بسازد:

در تفسیر علی بن ابراهیم نیز چنین می خوانیم: خلقه من فطرة من ماء منتن فیکون خصیما متکلما بلیغا: خداوند انسان را از قطره آب بدبوئی

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۸

آفرید و سرانجام سخنگوی بلیغی شد.

پس از آفرینش انسان به نعمت مهم دیگری یعنی خلقت چهار پایان، وفوائد مختلفی که از آنها عاید می‌شود اشاره کرده می‌گوید «خداوند چهار پایان را آفرید در حالی که در آنها وسیله پوشش برای شما است و منافع دیگر و از گوشت آنها می‌خورید» (و الانعام خلقها لكم فیها دفء و منافع و منها تاكلون).

در این آیه نخست به مسأله خلقت چهار پایان که دلیلی بر علم و قدرت خدا است، پرداخته، سپس به بیان نعمتهای مختلفی که در آنها وجود دارد می‌پردازد، و از میان این نعمتها به سه قسمت اشاره کرده نخست مسأله دفء که به معنی هر گونه پوشش است می‌باشد، (با استفاده از پشم و پوست آنها) مانند لباس و لحاف و کفش و کلاه و خیمه، و دیگر منافع که اشاره به شیر و مشتقات آنست، و سوم گوشت که با جمله و منها تاکنون بیان شده است: جالب اینکه در میان اینهمه فوائد، قبل از هر چیز مسأله پوشش و مسکن را مطرح میکند، زیرا بسیاری از مردم (بخصوص بادیه‌نشینان) هم لباسشان از پشم و مو یا پوست تهیه می‌شود، و هم خیمه‌هایشان که آنها را از سرما و گرما حفظ میکند، و به هر حال این دلیل بر اهمیت پوشش و مسکن و مقدم بودن آن بر هر چیز دیگر است.

نکته دیگر اینکه آنرا قبل از «منافع» ذکر کرده، اشاره به اینکه پوشش در واقع برای دفع ضرر است، و دفع ضرر مقدم بر جلب منفعت می‌باشد. ممکن است کسانی که مخالف گوشت‌خواری هستند، این استفاده را از آیه فوق نیز بکنند که خداوند مسأله خوردن گوشت حیوانات را جزء «منافع» آنها نشمرده، لذا بعد از ذکر منافع با جمله «و منها تاءكلون» (از آن حیوانات

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۹

می‌خورید) از آن یاد شده، حداقل این استفاده را از تعبیر فوق میتوان کرد که اهمیت لابیات بمراتب بیشتر است. جالب اینکه تنها به منافع معمولی و عادی این چهار پایان سودمند اکتفا نمیکند بلکه روی جنبه استفاده روانی از آنها در آیه بعد تکیه کرده می‌گوید: در این حیوانات برای شما زینت و شکوهی است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز میگردانید، و هنگامی که صبحگاهان به صحرا میفرستید (و لكم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون).



«تريحون» از ماده «اراحه» به معنی باز گرداندن حيوانات به هنگام غروب به آغله‌ها و استراحتگاهشان است، لذا محلی را که در آن استراحت میکنند «مراح» می‌گویند.

«تسرحون» از ماده «سروح» به معنی بیرون کردن چهارپایان به هنگام صبح به سوی چراگاه است.

منظره جالب حرکت دستجمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشتشان به سوی آغل و استراحتگاه که قرآن از آن تعبیر به «جمال» کرده تنها یک مسأله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه بیانگر واقعیتی است در اعماق جامعه، و گویای این حقیقت است که چنین جامعهای خود کفا است، فقیر و مستمند و وابسته به این و آن نمیباشد، خودش تولید میکند، و آنچه را خود دارد مصرف مینماید!

این در واقع جمال استغناء و خودکفائی جامعه است، جمال تولید و تاءمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت است، و به تعبیر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترک هر گونه وابستگی است!

این واقعیت را روستائیان و روستازادگان بهتر از مردم شهرنشین درک

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۰

میکند که مشاهده رفت و آمد این چهارپایان سودمند چگونه به آنها آرامش خیال میدهد، آرامشی که از احساس بی‌نیازی برمیخیزد، آرامشی که از انجام مؤثر یک وظیفه اجتماعی حاصل می‌شود.

و جالب اینکه در آیه فوق، نخست به بازگشت آنها از صحرا اشاره میکند چرا که در هنگام بازگشت پستانهایشان پر شیر، شکمهایشان سیر، و درچهره‌هایشان نشانه‌های رضایت‌مندی دیده می‌شود، به همین دلیل از آن حرص و ولع و عجله‌ای که صبح به هنگام حرکت به صحرا دارند در آنها خبری نیست، آرام و مطمئن گام بر میدارند و به استراحتگاه نزدیک میشوند و از مشاهده منظره پستانهای پر شیرشان هر کس احساس بی‌نیازی میکند.

در آیه بعد به یکی از منافع مهم این حیوانات اشاره کرده می‌گوید: آنها بارهای سنگین شما را بر دوش خود حمل میکنند و به سوی شهر و دیاری که جز با مشقت زیاد به آن نمی‌رسیدید می‌برند» (و تحمل اثقالکم الی بلد لم تکنوا بالغیه الا بشق الانفس).

این نشانه رحمت و رافت خداوند است که این چهارپایان را با این قدرت و نیرو

آفریده است، و آنها را رام و تسلیم شما نیز گردانیده، چرا که پروردگار شما رؤف و رحیم است (ان ربکم لرؤف رحیم).

«شق» از ماده «مشقت» است، ولی بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که به معنای شکافتن و نصف کردن باشد، یعنی شما نمیتوانید خودتان این بارها را بر دوش کشیده و به مقصد برسانید مگر اینکه نیمی از قوت شما از میان برود و به اصطلاح نیم جان شوید، ولی تفسیر اول نزدیکتر به نظر میرسد. به این ترتیب این چهار پایان در درجه اول، پوشش و وسائل دفاعی برای انسان در برابر گرما و سرما تولید میکنند، و در درجه بعد از فرآورده‌های لبنیاتی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۱

آنها استفاده می‌شود، و سپس از گوشتشان، و بعد آثار روانی که در دل‌های میگذارند، مورد توجه قرار گرفته و سرانجام باربری آنها. قابل توجه اینکه حتی در عصر و زمان ما که عصر ماشین و وسائل ماشینی است، باز در بسیاری موارد تنها باید از همین چهار پایان استفاده کرد، و راه دیگری ندارد.

آنگاه به سراغ گروه دیگری از حیوانات میرود که برای سواری انسان از آنها استفاده می‌شود می‌فرماید «خداوند اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا شما بر آن سوار شوید، و هم مایه زینت شما باشد» (و الخیل والبغال والحمیر لترکبوها و زینة).

بدیهی است زینت در اینجا باز یک مسأله تشریفاتی نیست و برای کسی که با محتوای تعلیمات قرآن آشنا است این مطلب روشن است، بلکه یک نوع زینت است که اثر آن در زندگی اجتماعی ظاهر میگردد، برای پی بردن به این حقیقت کافی است است منظره و حال کسی که با پای پیاده یک راه طولانی بیابانی را پیموده، و خسته و کوفته و ناتوان به مقصد رسیده، به طوری که تا مدتی هیچ کاری از او ساخته نیست و نشاطی در او دیده نمیشود، با منظره کسی مقایسه کنیم که بر یک مرکب را هوار سوار شده زودتر به مقصد رسیده نیروی خود را از دست نداده، نشاط خود را کاملاً حفظ کرده و آماده انجام هدفهای خود و استفاده از وقت و نیروی خویش است، آیا این زینت نیست؟ در پایان آیه به مسأله مهمتری اشاره کرده و افکار را به وسائل نقلیه و مرکبهای گوناگونی که در آینده در اختیار بشر قرار میگیرد و بهتر و خوبتر از این حیوانات می‌تواند استفاده کند متوجه میسازد، و می‌گوید خداوند

چیزها (وسائل نقلیه دیگری) می‌آفریند که شما نمیدانید (ویخلق ما لا

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۲

تعلمون).

گرچه بعضی از مفسران پیشین این جمله را اشاره به حیواناتی گرفته‌اند که در آینده آفریده می‌شود و رام بشر می‌گردد. ولی همانگونه که در تفسیر مراغی و تفسیر فی ظلال آمده است درک مفهوم این جمله برای ما که در عصر ماشین و وسائل و مرکبهای سریع‌السیر زندگی میکنیم، ساده و آسان است.

و اگر ملاحظه میکنید که تعبیر به یخلق (می‌آفریند) کرده است دلیلش واضح است، زیرا کار انسان در این اختراعات در حقیقت چیزی جز جفت و جور کردن و به هم پیوستن نیست، اساس آنها که مواد اصلی را تشکیل میدهد، تنها با آفرینش خداوندی است، از این گذشته آن ابتکاری که بشر در طریق اختراع این وسائل به کار میبرد آن هم مولود استعدادی است که خدا به او داده است.

#### اهمیت دامداری و کشاورزی

حتی امروز که دستگاههای تولیدی، ماشینی آنقدر گسترده شده که همه چیز را تحت الشعاع قرار داده باز دامداری و کشاورزی مهمترین بخش تولید زندگی انسان را تشکیل میدهد، چرا که میدانیم پایه اصلی تغذیه در این دو قسمت نهفته شده، و به همین دلیل رسیدن به حد خودکفائی در قسمت دامداری و کشاورزی نه تنها ضامن استقلال اقتصادی است که استقلال سیاسی نیز تا حد زیادی به آن مربوط است.

بنابراین جای تعجب نیست که تمام ملتهای دنیا کوشش میکنند که صنعت کشاورزی و دامداری خود را تا سر حد امکان توسعه دهند و از صنایع مدرن برای این توسعه کمک گیرند.

نیاز به این دو، تا آن حد اساسی است که گاه کشورهای به اصطلاح

---

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۳

ابر قدرتی همچون روسیه برای رفع نیازمندی خود در این زمینه ناچار میشوند با دادن امتیازهای سیاسی دست نیاز خود را به سوی کشورهایی که درست در قطب مخالفند دراز کنند!

و به همین جهت در اسلام و تعلیمات حیات آفرین آن اهمیت فوق العاده زیادی به مساله دآمداری و کشاورزی داده شده است و با استفاده از هر فرصت مسلمانان را تشویق به این دو نموده:

در آیات فوق دیدیم که با چه لحن تشویق آمیزی از موضوع دامها سخن می گوید و منافع آن را اعم از منافع غذائی و پوششی بر می شمرد و حتی رفت و آمد آنها را به صحرا با تعبیر زیبایی که بسیار شوق انگیز است بیان میکند.

همچنین درباره اهمیت زراعت و میوه های مختلف، و کشاورزی بطور کلی، در آیات آینده سخن به میان خواهد آمد.

در روایات اسلامی در زمینه دآمداری تعبیرات جالبی دیده می شود و همچنین در زمینه کشاورزی که به عنوان نمونه احادیث زیر را از منابع مختلف یادآور میشویم:

- ۱- پیامبر به یکی از بستگانش فرمود چرا در خانهات «برکت» نمی آوری؟  
عرض کرد منظورتان از برکت چیست؟ فرمود: شاة تحلب: «گوسفند شیرده»! سپس اضافه فرمود: انه من كانت فی داره شاة تحلب او نعجة او بقرة فبرکاة کلهن: «هر کس در خانه خود گوسفند شیرده یا گاو ماده داشته باشد سر تا پا برکت است».
- ۲- و نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که درباره اهمیت گوسفند فرمود: نعم

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۴

المال الشاة گوسفند سرمایه بسیار خوبی است.

- ۳- در تفسیر نور الثقلین ذیل آیات مورد بحث از امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میخوانیم: افضل ما یتخذہ الرجل فی منزله لعیاله الشاة فمن کان فی منزله شاة قدست علیه الملائكة مرتین فی کل یوم: «بهترین چیزی که انسان در خانه برای خانواده خود تهیه میکند گوسفند است، هر کس در منزل خود گوسفندی داشته باشد در هر روز فرشتگان خدا دو بار او را تقدیس میکنند اشتباه نشود ممکن است شرائط تربیت کردن گوسفند در خانه برای بسیاری فراهم نباشد ولی هدف اصلی این است که به تعداد خانواده ها تولید و تربیت گوسفند بطور مستمر انجام گیرد (دقت کنید).
- ۴- در اهمیت زراعت همین بس که امام مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعدہ اللہ: ہر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند.

بدیہی است این گفتار بزرگ همانگونه کہ دربارہ یک فرد صادق است دربارہ یک ملت نیز صدق میکند، مردمی کہ آب و خاک بقدر کافی دارند، باز ہم نیازمند بہ دیگران ہستند، مسلما از رحمت خدا دورند!

۵ - و نیز از پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) نقل شدہ است کہ فرمود علیکم بالغنم و الحرث فانہما یروحان بخیر و یغدوان بخیر: وظیفہ شماسست کہ بہ تربیت گوسفند و کشاورزی پردازید کہ رفت و آمد ہر دو خیر و برکت است.  
۶ - از امام صادق (علیہ السلام) نقل شدہ کہ فرمود: ما فی الاعمال شیء احب

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحہ ۱۶۵

الی اللہ من الزراعة: «هیچ عملی نزد خدا از زراعت محبوبتر نیست».  
بالاخرہ در حدیثی از امام صادق (علیہ السلام) می خوانیم الزارعون کنوز الانام تزرعون طیبا اخرجه اللہ عز و جل و ہم یوم القیامۃ احسن الناس مقاما و اقربہم منزلة یدعون المبارکین: «کشاورزان گنجہای مردمند، غذای پاکیزہ را کہ خداوند ارزانی داشتہ زراعت می کنند و آنہادر روز قیامت برترین مقام را دارند و بہ خدا نزدیکترند و آنہا را بنام مبارکہا صدا می زنند».

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحہ ۱۶۶

آیہ ۹ - ۱۳

آیہ و ترجمہ

۹ و علی اللہ قصد السبیل و منها جائر و لو شاء لہدئکم اجمعین  
۱۰ هو الذی انزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیہ تسیمون  
۱۱ ینسبت لکم بہ الزرع و الزيتون و النخیل و الاعنب و من کل الثمرت ان فی ذلک لایۃ لقوم یتفکرون  
۱۲ و سخر لکم الیل و النہار و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بامرہ ان فی ذلک لایۃ لقوم یعقلون  
۱۳ و ما ذراء لکم فی الارض مختلفا لونه ان فی ذلک لایۃ لقوم یدکرون  
ترجمہ:

۹ - و بر خداست کہ راہ است را بہ بندگان نشان دہد، اما بعضی از راہہا بپراہہ

است و اگر خدا بخواهد همه شما را (به اجبار) هدایت می کند (ولی اجبار سودی ندارد).

۱۰ - او کسی است که از آسمان آبی فرستاد که شرب شما از آن است، و گیاهان و درختان که حیوانات خود را در آن به چرا می برید نیز از آن است.

۱۱ - خداوند با آن (آب باران) برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور می رویاند، و از همه میوه ها، مسلماً در این نشانه روشنی است برای گروهی که تفکر می کنند

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۷

۱۲ - او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت، و نیز ستارگان به فرمان او مسخر شمایند، در این نشانه هائی است (از عظمت خدا) برای گروهی که عقل خود را بکار می گیرند.

۱۴ - (علاوه بر این) مخلوقاتی را که در زمین آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت، مخلوقاتی با رنگهای مختلف در این نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می شوند.

### تفسیر :

#### همه چیز در بند تسخیر تو است ای انسان

به دنبال نعمتهای مختلفی که در آیات گذشته بیان شد، قسمت دیگری از نعمتهای مهم الهی در آیات مورد بحث آمده است نخست به یکی از نعمتهای بسیار مهم معنوی اشاره کرده می فرماید: «بر خدا است که راه راست و صراط مستقیم را که هیچگونه انحراف و کژی در آن نیست در اختیار بندگان بگذارد» (و علی الله قصد السبیل)

«قصد» به معنی صاف بودن راه است، و بنابراین قصد السبیل به معنی راه راست می باشد راهی که انحراف و ضلالت در آن وجود ندارد.

در اینکه این راه راست اشاره به جنبه تکوینی یا تشریعی می کند، مفسران تفسیرهای مختلفی دارند، ولی هیچ مانعی ندارد که هر دو جنبه را شامل شود. توضیح اینکه: خداوند انسان را با نیروهای مختلفی مجهز ساخته،

و استعدادهای گوناگونی به او داده تا در مسیر تکامل که هدف آفرینش است به او کمک کند، و از این نظر همانند گیاهان و یا انواع جانداران است، که نیروها و غرائز لازم برای رسیدن به این هدف در اختیارشان گذارده شده است، با این تفاوت که انسان

با اراده خود و آزادانه تصمیم می‌گیرد ولی حیوانات و گیاهان بی اختیار به سوی هدفشان پیش می‌روند، و قوس صعودی تکامل انسان نیز قابل مقایسه با جانداران دیگر نیست

به این ترتیب از نظر خلقت و آفرینش و تکوین انسان را مجهز به عقل و استعداد و نیروهای لازم برای پیمودن این صراط مستقیم کرده است.

و از سوی دیگر، خدا پیامبران را با وحی آسمانی و تعلیمات کافی و قوانین مورد نیاز انسان فرستاده است، تا از نظر تشریع، راه را از چاه مشخص کرده و با انواع بیانها او را تشویق به پیمودن این راه کنند و از مسیرهای انحرافی باز دارند.

و جالب اینست که خداوند در آیه فوق این امر را به عنوان فریضه‌ای بر خود لازم شمرده و با کلمه علی الله (بر خدا لازم است) از آن یاد کرده است که همانند آنرا در آیات دیگر قرآن نیز می‌خوانیم ان علينا للهدی: «بر ما است که انسان را هدایت کنیم» (لیل - ۱۲)،

اگر ما، در وسعت مفهوم علی الله قصد السبیل و مجموعه نیروهای مادی و معنوی که در آفرینش انسان و تعلیم و تربیت او به کار رفته دقیق شویم، به عظمت این نعمت بزرگ که از همه نعمتها برتر است، آگاه خواهیم شد.

سپس از آنجا که راههای انحرافی فراوان است، به انسانها هشدار می‌دهد و می‌گوید «بعضی از این راهها منحرف و بیراهه است» (و منها جائز).

و از آنجا که نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب، یکی از مهمترین عوامل تکامل انسان می‌باشد با یک جمله کوتاه به آن اشاره کرده می‌گوید «اگر خدا می‌خواست همه شما را به اجبار به راه راست هدایت می‌کرد به گونه‌ای که نتوانید گامی از آن فراتر بگذارید» (و لو شاء لهداکم اجمعین).

ولی این کار را نکرد، چرا که هدایت اجباری، نه افتخار است و نه تکامل، بلکه به شما آزادی داد تا این راه را با پای خود بپیمائید و به بالاترین اوج تکامل برسید.

جمله فوق ضمناً به این واقعیت اشاره می‌کند که گام نهادن گروهی از انسانها در طریق جائز و راه منحرف، نباید این توهم را ایجاد کند که خدادر برابر آنها مغلوب شده است بلکه این خواست او است و مقتضای حکمت است که انسانها آزاد باشند.

در آیه بعد باز به سراغ مادی می‌رود تا حس شکرگزاری انسانها را برانگیزد،  
آتش عشق خدا را در دلهایشان بیفروزد، و آنها را به شناخت بیشتر بخشنده این  
نعمتها دعوت کند.

بعد ←

↑ نفرت

→ قبل